



The role of corporate governance mechanisms on lender supervision: Testing the borrowers' tax planning theory

- Abbas Ghodratizoeram ^۱
- Vahid Oskou ^۲
- Mohammad Norouzi ^۳

Abstract

The main objective of this study is to investigate the role of corporate governance mechanisms on lenders' supervision: testing the theory of borrowers' tax planning. The statistical population of this study is companies listed on the Tehran Stock Exchange, which number ۱۶۷ companies, and the time period of this study includes a ۶-year period from the beginning of ۲۰۱۷ to ۲۰۲۳. The research method is of an applied type, and the new Rahavard Novin software and the Stock Exchange Organization website were used to collect research information, and then the collected data were analyzed using the Eviews software. The results of the study showed that there is a negative and significant relationship between corporate governance mechanisms and borrowers' tax avoidance. Corporate governance mechanisms also limit borrowers' tax aggression.

Key words: Corporate governance mechanisms, tax aggression, tax avoidance.

^۱ Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Ishraq Institute of Higher Education, North Khorasan, Iran (Corresponding Author) Email: Abbas.ghodratizoeram@gmail.com

^۲ Assistant Professor, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran

^۳ Lecturer, Accounting Department, Gonbad-Kavoos University, Gonbad-Kavoos, Iran

نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نظارت وام‌دهندگان: آزمون نظریه برنامه‌ریزی مالیاتی وام‌گیرندگان

- عباس قدرتی زوارم^۱
- وحید اسکو^۲
- محمد نوروزی^۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نظارت وام‌دهندگان است و جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که تعداد آن‌ها به ۱۶۷ شرکت می‌رسد و بازه زمانی این پژوهش شامل یک دوره ۶ ساله از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۲ می‌باشد. روش پژوهش از نوع کاربردی است و جهت جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت سازمان بورس استفاده گردید و سپس داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج پژوهش نشان داد که بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات وام‌گیرندگان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین سازوکارهای حاکمیت شرکتی باعث محدود ساختن تهاجم مالیاتی وام‌گیرندگان می‌شود.

واژگان کلیدی: سازوکارهای حاکمیت شرکتی، تهاجم مالیاتی، اجتناب مالیاتی

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی اشراق، خراسان شمالی، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Abbas.ghodratizoeram@gmail.com

^۲ استادیار، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران.

^۳ مدرس گروه حسابداری، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران



مقدمه

امروزه فعالیت‌های مالی شرکت‌ها تحت تاثیر بانک‌ها قرار دارد که از جمله این عوامل می‌توان به مخارج سرمایه، پرداخت سود سهام، تامین مالی بدهی و مدیریت سود اشاره کرد (دنيس و وانگ^۱، ۲۰۱۴؛ ژو و همکاران^۲، ۲۰۲۳). با این حال، همچنان این سوال برای بسیاری از محققان مطرح بوده است که از چه طریقی بانک‌ها می‌توانند بر برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها تاثیرگذار باشند. بسیاری از ذی‌نفعان از جمله سهامداران، مدیران، بانک‌ها علاقه‌مند به افزایش برنامه‌ریزی مالیاتی هستند (گالیمور و همکاران^۳، ۲۰۱۹). بنابراین، بانک‌ها دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص اولویت رعایت و سطح ریسک کافی که یک شرکت در استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که باید بپذیرند دارند. ژو و همکاران (۲۰۲۳) به منظور درک بهتر نحوه تعامل بانک‌ها با وام‌گیرندگان و تاثیر بر برنامه‌ریزی مالیاتی آن‌ها در زمینه تضاد منافع بین سهامداران و دارندگان بدهی، پویایی خاص موجود در بازی را با شناسایی ویژگی‌های مختلف وام که بر استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی وام‌گیرندگان تاثیر می‌گذارد، مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها بر این باورند که نظارت بر وام‌دهندگان، نتایج عمومی اجتناب از مالیات وام‌گیرندگان را افزایش می‌دهد و در عین حال رفتارهای تهاجمی مالیاتی فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد. یکی از چالش‌های برنامه‌ریزی مالیات شرکت‌ها، پرداختن به دوگانگی آن است. بدین معنی که هیچ خط جدایی‌پذیری بین شیوه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی خوب و بد وجود ندارد که آن را تشخیص دهد. برنامه‌ریزی مالیات شرکتی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را شامل می‌شود که از کاملاً قانونی و غیرتهاجمی تا بسیار تهاجمی را در بر می‌گیرد. شرکت‌ها برای مشارکت در برنامه‌ریزی مالیاتی برای افزایش جریان نقدی از طریق پس‌انداز مالیاتی انگیزه زیادی دارند (چن و همکاران^۴، ۲۰۱۰). ادواردز و همکاران^۵ (۲۰۱۶) بر این استدلال هستند که شرکت‌های دارای محدودیت مالی می‌توانند وجوه تولید شده داخلی را از طریق اجتناب مالیاتی افزایش دهند. با این حال، مشکلات نمایندگی ممکن است شرکت‌ها را به درگیر شدن در درجه‌ای از برنامه‌ریزی مالیاتی ناسازگار با ترجیحات سهامداران سوق دهد (آرمسترانگ و همکاران^۶، ۲۰۱۵). نظارت از سوی سایر ذی‌نفعان، مانند وام‌دهندگان، ممکن

^۱ Denis & Wang

^۲ Zhou et al

^۳ Gallemore et al

^۴ Chen et al

^۵ Edwards et al

^۶ Armstrong et al

است به کاهش این هزینه سهام شرکت کمک کند و مدیران را به اتخاذ استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی کمتر تهاجمی برای جلوگیری از جریمه‌ها یا سایر هزینه‌ها سوق دهد (کوبیک و لاکهارت^۱، ۲۰۱۷). از دیدگاه وام‌دهنده، بانک‌ها انگیزه مداخله در استراتژی‌های مالیاتی وام‌گیرندگان را برای کاهش ریسک وام دارند. لذا، پس انداز مالیاتی منبع مهمی از جریان نقدی است که به پوشش هزینه‌های خدمات بدهی و پرداخت‌های اصلی کمک می‌کند. استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که جریان نقدی وام‌گیرنده را افزایش می‌دهد و احتمال نکول را کاهش می‌دهد، می‌تواند ریسک وام‌دهی بانک‌ها را کاهش دهد. شواهدی مبنی بر توانایی بانک‌ها برای تأثیرگذاری بر استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی وام‌گیرندگان توسط پلاتیکانوا^۲ (۲۰۱۷) ارائه شده است که نشان می‌دهد وام‌دهندگان با کوتاه کردن سررسید وام، وام‌دهنده‌هایی را که از مالیات اجتناب می‌کنند بیشتر نظارت می‌کنند. گالمور و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند که وام‌گیرندگان می‌توانند پس‌انداز مالیاتی قابل توجهی را در نتیجه شروع رابطه با یک بانک (به‌عنوان مثال، یک واسطه برنامه‌ریزی مالیاتی) که مشتریان فعلی آن در فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی بالاتر از سطح متوسط شرکت می‌کنند، تحقق بخشند. علاوه‌براین، چندین مطالعه در ادبیات نظری پژوهش وجود دارد که قرارداد بدهی، وام‌دهندگان را برای اعمال نفوذ بیشتر بر تصمیمات شرکتی و حاکمیت از جمله سرمایه‌گذاری، ساختار سرمایه، پرداخت سود سهام، گردش مالی مدیرعامل مستند می‌کنند (چوا و رابرتز^۳، ۲۰۰۸؛ چو^۴، ۲۰۱۷؛ نایینی و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ رابرتز و سوفی^۶، ۲۰۰۹) و اجتناب از مالیات (کوک و همکاران^۷، ۲۰۲۰) زمانی که وام‌گیرنده در شرایط پیش‌فرض فنی قرار دارد.

این در حالی است که افزایش جریان نقدی ناشی از اجتناب مالیاتی وام‌گیرندگان می‌تواند به نفع وام‌دهندگان باشد و ریسک وام‌دهی را کاهش دهد، برنامه‌ریزی مالیاتی بسیار تهاجمی وام‌گیرندگان می‌تواند به وام‌دهندگان آسیب برساند و ریسک وام را افزایش دهد. بر اساس نظریه جنسن و مک‌کلینگ^۸ (۱۹۷۶) هزینه نمایندگی بدهی از منافع متضاد بین دارندگان بدهی به عنوان عضو ثابت و سهامداران به عنوان اعضای باقیمانده شرکت، مدعیان جریان‌های نقدی ایجاد شده در شرکت هستند. اگرچه وام‌دهندگان از افزایش ظرفیت بازپرداخت بدهی ناشی از پس‌اندازهای مالیاتی

^۱ Kubick & Lockhart

^۲ Platikanova

^۳ Chava & Roberts

^۴ Chu

^۵ Nini et al

^۶ Roberts & Sufi

^۷ Cook et al

^۸ Jensen & Meckling

برخوردار هستند، برنامه‌ریزی تهاجمی مالیاتی تمایل دارد منافع بیشتری را برای سهامداران نسبت به دارندگان بدهی به همراه داشته باشد (حسن و همکاران^۱، ۲۰۱۴). چراکه وام‌گیرندگان ممکن است متحمل هزینه‌های قابل توجهی از تهاجم مالیاتی شوند که آن‌ها را تضعیف می‌کند و در نتیجه ریسک وام‌دهندگان را افزایش می‌دهد. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های اجرای یک طرح مالیاتی تهاجمی (مانند هزینه‌های مروج و وکیل)، حسابرسی بالقوه اجباری و هزینه‌های دادرسی بعدی (مانند هزینه‌های حسابداری و حقوقی) و هزینه‌های شهرت ناشی از افشای عمومی فعالیت سرپناه مالیاتی می‌شود. به عبارت دیگر، وام‌دهندگان تهاجم مالیاتی را یک خطر اخلاقی وام‌گیرنده می‌دانند. بنابراین وام‌دهندگان دارای انگیزه و توانایی هستند که هم به مشتریان کمک کنند تا اجتناب مالیاتی را افزایش دهند و هم آن‌ها را از درگیر شدن در تهاجم مالیاتی منصرف کنند. مطابق با ادبیات نظری مالی و بانکی، نظارت بر وام‌گیرندگان یکی از راه‌های کاهش خطرات اخلاقی وام‌گیرندگان به شمار می‌آید (بهاراث و همکاران^۲، ۲۰۱۱؛ پارک^۳، ۲۰۰۰)، اگر فرض را بر این قرار دهیم که نظارت قوی‌تر وام‌دهندگان می‌تواند اجتناب مالیاتی کلی وام‌گیرندگان را افزایش و کاهش دهد. برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی با تکیه بر کارهای پیشین که بر نقش نظارتی بانک‌ها متمرکز شده است از چهار معیار نظارت بر سهام وام‌دهندگان که توسط وام‌دهندگان اصلی نگهداری می‌شوند، حضور وام‌دهندگان معتبر، رابطه وام‌دهی واحد و حضور فروش وام که می‌تواند بر فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده خواهد شد. بنابراین، در پژوهش حاضر با توجه به طرح مسئله پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال خواهیم بود که آیا سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نظارت وام‌دهندگان تأثیرگذار خواهد بود یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ فوق، نوع تأثیر به چه صورت است. همچنین مطابق با مبانی نظری پژوهش ارتباط بین آن‌ها را از دیدگاه نظریه برنامه‌ریزی مالیاتی وام‌گیرندگان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

پیشینه تجربی پژوهش

چاکروان و بن-آمار (۲۰۲۴) در پژوهش خود به بررسی پذیرش استانداردهای بین‌المللی، اجتناب مالیات شرکت و اثر تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۸۵۶ شرکت از کشورهای مختلف در سراسر جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که پذیرش پذیرش استانداردهای بین‌المللی تأثیر منفی بر اجتناب مالیات شرکت دارد، همانطور که با نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت‌های مالیات دفتری اندازه‌گیری می‌شود. این تأثیر

^۱ Hasan et al

^۲ Bharath et al

^۳ Park

منفی در کشورهای «کامن لا» بیشتر از «کشورهای قانون مدنی» است. علاوه بر این، نویسندگان دریافتند که مالکیت خانوادگی با تأثیر مثبت بر تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی بر اجتناب مالیات شرکت، نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد. حسین و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین سودآوری، اندازه شرکت و اهرم مالی با اجتناب از مالیات شرکت‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۶۲ شرکت از بورس‌های داکا و چیتاگونگ در بنگلادش طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ تأثیر مثبتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارند. به طور مشابه، سودآوری و اهرم به طور مثبت با اجتناب مالیاتی مرتبط است و نتایج قابل توجه است. علاوه بر این، این مطالعه آزمایش‌های استحکامی را انجام می‌دهد که یافته‌ها را تأیید می‌کند. گوئیدریب و بوگاچا (۲۰۲۴) به بررسی اثر تعدیل‌کننده تهاجم مالیاتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت‌های فرانسوی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی بر ریسک شرکت تأثیر منفی می‌گذارد در حالی که ریسک مالیاتی تأثیر مثبتی بر ریسک شرکت دارد. مهمتر از آن، ریسک مالیاتی تأثیر منفی اجتناب مالیاتی بر ریسک شرکت را تعدیل می‌کند. هنگامی که اجتناب مالیاتی با سطح بالایی از ریسک مالیاتی همراه باشد، منجر به ریسک بالای شرکت می‌شود. بر این اساس، هنگام مطالعه تأثیر بر ریسک شرکت، اجتناب مالیاتی باید همراه با ریسک مالیاتی در نظر گرفته شود. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که ریسک مالیاتی رابطه منفی بین تهاجم مالیاتی دائمی و ریسک شرکت را تعدیل می‌کند. ژو و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی نقش حاکمیتی نظارت بر وام‌دهندگان با استفاده از شواهد برنامه‌ریزی مالیاتی وام‌گیرندگان پرداختند. آن‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۵۱۲۰۵ سال-شرکت طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۸ به این نتیجه دست یافتند که نظارت بر وام‌دهندگان نتایج عمومی اجتناب از مالیات وام‌گیرندگان را افزایش می‌دهد و در عین حال، رفتارهای تهاجمی مالیاتی فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد. جامعی و سهرابی (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر اجتناب از مالیات با تأکید بر نهادهای نظارت داخلی بر اساس یک نمونه متشکل از ۱۲۵ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که خودشیفتگی مدیرعامل بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد و همچنین کمیته حسابرسی و کیفیت سیستم‌های کنترل داخلی موجب تضعیف این رابطه خواهد شد. یادگاری و هاشم‌زاده (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش ارتباطات سیاسی با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۴۰ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ پرداختند. یافته‌ها نشان‌دهنده این مطلب است که مدیریت سود بر اجتناب مالیات تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین ارتباطات سیاسی رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیات را تشدید می‌کند. اخلاقی یزدی نژاد و شمس‌الدینی (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر سیاست‌های تهاجمی مالیاتی بر نقدینگی اضافی با تأکید بر نقش تعدیلی بی‌ثباتی محیطی و اقتصادی (دیدگاه ترکیبی) با استفاده

از یک نمونه متشکل از ۱۶۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ پرداختند. نتایج یافته‌های آن‌ها نشان‌دهنده این مطلب است که سیاست‌های تهاجمی مالیاتی منجر به افزایش نقدینگی می‌شود. همچنین بی‌ثباتی اقتصادی و محیطی تاثیر تشدیدکننده بر رابطه مثبت بین سیاست‌های تهاجمی مالیاتی و نقدینگی اضافی دارد. تفتیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به تاثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر کیفیت کمیته حسابرسی پرداختند. آن‌ها بر اساس یک نمونه متشکل از ۱۹۱ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ به این نتیجه دست یافتند که قدرت مدیرعامل اثر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. همچنین کیفیت کمیته حسابرسی اثر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ندارد. رجایی‌زاده هرنندی و عشوری (۱۴۰۰) به بررسی تاثیر تخصص مالی بر اجتناب مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۱۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ پرداختند. نتایج یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که بین تخصص مالی در مدیرعامل، هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی وام‌گیرندگان را افزایش می‌دهد.
فرضیه دوم: سازوکارهای حاکمیت شرکتی، تهاجم مالیاتی وام‌گیرندگان را محدود می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از لحاظ شیوه اجرا تحقیقی شبه تجربی و پس‌رویدادی، در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی است. در این پژوهش پژوهشگر به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوع رفتاری که قبلاً وجود داشته یا رخ داده، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آن‌ها است؛ به عبارت دیگر پژوهشگر در پی بررسی امکان وجود روابط علت و معلولی از طریق مشاهده نتایج موجود و زمینه قبلی آن‌ها به امید یافتن علت وقوع پدیده یا عملی می‌باشد. روش پژوهش یکی از عواملی است که بر پژوهش و نتایج حاصل از آن اثر جدی دارد؛ بنابراین پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی بر مبنای هدف از نوع کاربردی است، همچنین پژوهش از لحاظ ماهیت و روش توصیفی است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که از ابتدای سال ۱۳۹۶ لغایت تا پایان سال ۱۴۰۱ در بورس فعال بوده‌اند.

برای انتخاب نمونه آماری مناسب که یک نماینده مناسبی برای جامعه آماری موردنظر باشد از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور ۴ معیار در نظر گرفته شده است. معیارهای مذکور عبارت‌اند از:

۱- سال مالی شرکت‌های موردبررسی منتهی به پایان اسفندماه باشد (به دلیل یکسان بودن شرایط سال مالی شرکت‌ها و عملیات آن‌ها)

۲- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری نباشد (به دلیل یکسان بودن ماهیت عملیات شرکت‌ها)

۳- شرکت موردنظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد معامله قرار گرفته باشد (به دلیل اصل تداوم فعالیت و معامله شدن سهام آن‌ها)

۴- در دوره تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد.

متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر مستقل: سازوکارهای حاکمیت شرکتی

متغیر مستقل پژوهش حاضر، سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که برای اندازه‌گیری آن از سه شاخص اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت هیئت‌مدیره استفاده شده است. این متغیر به عنوان یک سازوکار نظارتی بر رفتارهای وام‌گیرندگان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شاخص اول: اندازه هیئت‌مدیره^۱: جهت محاسبه این متغیر ابتدا تعداد مدیران هیئت‌مدیره را بدست خواهیم آورد. سپس، اگر میانگین تعداد مدیران در هیئت‌مدیره بیشتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت.

شاخص دوم: استقلال هیئت‌مدیره^۲: از طریق حاصل نسبت مدیران مستقل در هیئت‌مدیره به تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره به دست می‌آید. سپس، اگر میانگین نسبت مدیران مستقل در هیئت‌مدیره به تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره بیشتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت.

^۱ Board size

^۲ Independence of board directors

شاخص سوم: مالکیت هیئت‌مدیره^۱: سومین شاخص پویایی هیئت‌مدیره، مالکیت هیئت‌مدیره است که از طریق درصد سهام هیئت‌مدیره در شرکت محاسبه خواهد شد. سپس اگر میانگین درصد سهام هیئت‌مدیره بالاتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت.

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

متغیر وابسته پژوهش بر اساس پژوهش ژو و همکاران (۲۰۲۳) اجتناب مالیات شرکت است که از طریق رابطه زیر بدست می‌آید.

اجتناب مالیاتی از دو سنجه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت و تفاوت دفتری مالیات محاسبه می‌شود که در سنجه اول، اشاره به نسبت کل هزینه مالیات به درآمد قبل از مالیات دارد. نرخ مؤثر مالیاتی، یک تابع معکوس از اجتناب مالیاتی است؛ زیرا مقادیر کمتر نرخ مؤثر مالیات، به دخالت بیشتری در اجتناب مالیات شرکت‌ها اشاره دارد. سنجه دوم، تفاوت دفتری مالیات است که از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت به دست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌شود. به منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم می‌شود.

متغیر وابسته: تهاجم مالیاتی

در این پژوهش به منظور سنجش رویه‌های تهاجمی مالیاتی از نرخ مؤثر مالیاتی در بازه سه ساله برای شرکت‌ها و صنایع استفاده می‌شود. در گام نخست، نرخ مؤثر مالیات پرداخت‌شده محاسبه می‌شود. براساس پژوهش دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸)، نرخ مالیات مؤثر نقدی شرکت به‌عنوان نسبت مالیات نقدی پرداختی شرکت به سود قبل از مالیات در یک دوره سه ساله مطابق رابطه (۴) محاسبه می‌شود.

برای خنثی کردن نوسانات نرخ مؤثر مالیاتی به جای بازه یکساله برآوردها در بازه سه ساله صورت پذیرفته‌اند؛ بدین ترتیب در محاسبه مخرج کسر از مجموع سودهای قبل از کسر مالیات در این سه سال استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی سه سال گذشته با مقیاس مجموع سود قبل از کسر مالیات همین سه سال است که در پژوهش‌های داخلی، معیار اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شده است. مالیات نقدی پرداختی برابر است با مجموع مبالغ مالیاتی نقدی پرداختی شرکت

اند سال‌های t الی $t-2$.

^۱ Board ownership

رابطه (۳-۱):

$$ETR_CASH_{i,j,t} = ETR_CASH_{i,t} - ETR_CASH_{j,t}$$

که در آن:

$ETR_CASH_{i,j,t}$ شاخص نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت (۳ ساله) شرکت i در صنعت j و سال t ؛ $ETR_CASH_{i,t}$ نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی شرکت i در سال t و $ETR_CASH_{j,t}$ نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی صنعت j در سال t است که به صورت میانگین نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی شرکت‌های موجود در هر صنعت محاسبه شده است. شاخص به دست آمده بیان کننده تفاوت نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی شرکت و صنعت است که در حالت ساده، اعداد شاخص، نشان دهنده سیاست مالیاتی غیرتهاجمی هستند؛ از این رو، برای تفسیر بهتر ارتباطات بین متغیرها، عبارت پس از محاسبه در منفی یک ضرب می شود و متغیر سیاست‌های مالیاتی تهاجمی به دست می آید؛ در نتیجه، هرچه مقدار ریاضی عبارت مذکور بیشتر باشد، میزان استفاده از سیاست‌های تهاجمی مالیاتی بالاتر خواهد بود؛ زیرا شرکت نسبت به میانگین صنعت خود، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتری داشته است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: هرچه اندازه شرکت بزرگتر باشد، شرکت از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. شرکت‌های بزرگ به دلیل امکان تنوع بخشی بیشتر، سرمایه گذاری در دارایی‌های مختلف، امکان استفاده از منابع مالی متنوع و افشای منظم اطلاعات، ریسک کمتری دارند و عملکرد مطلوبتری برخوردار هستند. برای سنجش اندازه شرکت همانند پژوهش ژو و همکاران (۲۰۲۳) از لگاریتم خالص فروش سالیانه شرکت استفاده شده است.

نرخ بازده دارایی: این متغیر که از طریق نسبت سودخالص شرکت به کل دارایی‌های شرکت اندازه گیری می شود، در پژوهش ژو و همکاران (۲۰۲۳) نیز متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است اندازه موسسه حسابرسی: متغیر مذکور متغیری مجازی است که اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد، به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ و با کیفیت در نظر گرفته می شود و به آن شرکت عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر اختصاص داده می شود (ژو و همکاران، ۲۰۲۳). سن شرکت: امروزه، رویدادهای مالی در دوران حیات شرکت‌ها به موضوعی حیاتی برای تصمیم گیری در شرکت‌ها تبدیل شده است (فروغی و رحیمی، ۱۴۰۰). پرداختن به امر تحقیقات و انجام تجزیه و تحلیل‌های همه جانبه مالی و اقتصادی در خصوص سن شرکت‌ها، سرعت رشد و شکوفایی بازار سرمایه، یکی از ابزارهای اصلی و پر اهمیت در خصوص عملکرد مالی شرکت‌ها

است. در این پژوهش از متغیر لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده برای سنجش سن شرکت استفاده شده است (ژو و همکاران، ۲۰۲۳)

مدل‌های رگرسیونی تحقیق

جهت سنجش فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:
رابطه (۱):

$$ETR_{i,t} = \alpha. + \beta_1 Board\ size_{i,t} + \beta_2 INDE_{i,t} + \beta_3 DIRSHA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 BIG_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

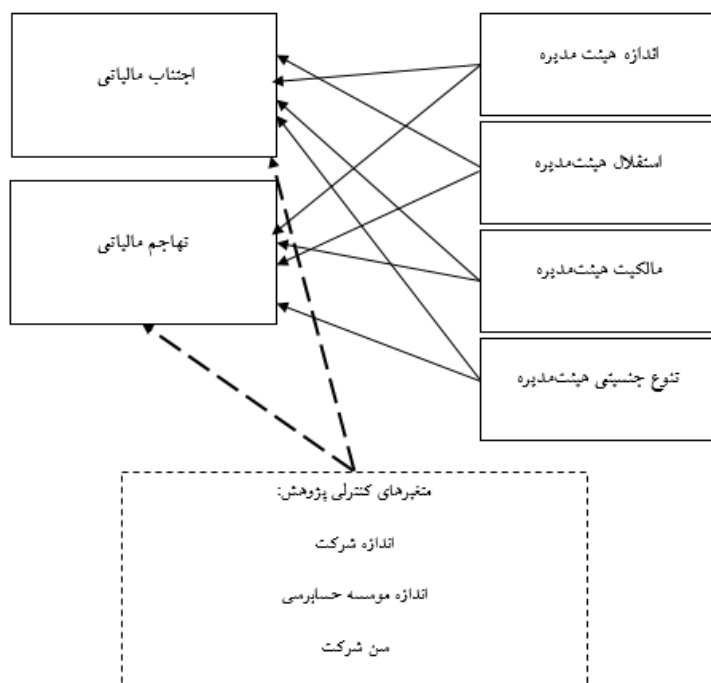
جهت سنجش فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:
رابطه (۲):

$$ETR_CASH_{i,t} = \alpha. + \beta_1 Board\ size_{i,t} + \beta_2 INDE_{i,t} + \beta_3 DIRSHA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 BIG_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$ETR_{i,t}$: اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t (متغیر وابسته)؛ $ETR_CASH_{i,t}$: اجتناب مالیاتی تهاجمی شرکت i در سال t (متغیر وابسته)؛ $Board\ size_{i,t}$: اندازه هیئت‌مدیره شرکت i در سال t (متغیر مستقل)؛ $INDE_{i,t}$: استقلال هیئت‌مدیره شرکت i در سال t (متغیر مستقل)؛ $DIRSHA_{i,t}$: مالکیت هیئت‌مدیره شرکت i در سال t (متغیر مستقل)؛ $BIG_{i,t}$: اندازه موسسه حسابرسی شرکت i در سال t (متغیر کنترلی)؛ $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t (متغیر کنترلی)؛ $AGE_{i,t}$: سن شرکت i در سال t (متغیر کنترلی)؛ $ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی شرکت i در سال t (متغیر کنترلی)؛ $\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای رگرسیونی شرکت i در سال t (باقیمانده مدل)

مدل مفهومی پژوهش



ویژگی‌های توصیفی متغیرها

این ویژگی‌ها شامل اطلاعات آماری همانند میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار و تعداد مشاهدات می‌باشد که اطلاعات اولیه‌ای از چگونگی داده‌های مورد استفاده در مدل به ما می‌دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	نماد متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهدات
اجتناب مالیاتی	ETR	۰/۲۹۶	۰/۲۹۷	۰/۸۶۳	-۰/۳۶۳	۰/۰۶۲	۱۰۰۲
تهاجم مالیاتی	CETR	۰/۲۶۴	۰/۲۶۶	۰/۳۲۲	-۰/۲۰۴	۰/۰۳۵	۱۰۰۲
اندازه شرکت	SIZE	۱۲/۱۲۰	۱۲/۰۸۵	۱۴/۸۲۶	۹/۸۲۱	۰/۷۴۳	۱۰۰۲
نرخ بازده دارایی	ROA	۰/۱۳۹	۰/۱۰۶	۰/۶۸۱	-۰/۶۰۷	۰/۱۶۸	۱۰۰۲
سن شرکت	AGE	۳۹/۸۸	۳۸/۰۰	۷۰/۰۰۰	۱۴/۰۰۰	۱۳/۳۹۴	۱۰۰۲

در نگاره فوق برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده ها به‌عنوان شاخص‌های مرکزی و انحراف معیار به‌عنوان شاخص پراکندگی و ضریب کشیدگی، ضریب چولگی به‌عنوان شاخص‌های توزیعی ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اجتناب مالیاتی برابر با ۰/۲۹۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. بیشترین میزان اجتناب مالیاتی مقدار ۰/۸۶۳ می‌باشد و نشان از آن دارد که مالیات شرکت به نسبت درآمد بسیار بالا بوده است. با بررسی نظریه حسابرسی این شرکت مشخص شد، این شرکت درآمدهایی داشته که از حالت سنواتی به جاری آورده شده که باعث شده مالیات شرکت افزایش بسیاری داشته باشد و همچنین، کمترین مقدار به میزان ۰/۳۶۳- بوده است، یعنی برای این شرکت با وجود آنکه زیان داشته است، اما مالیات در نظر گرفته شده است که باعث محاسبه این مقدار شده است. به دلیل استثناء بودن این شرایط، میانگین متغیر اجتناب مالیاتی برابر با ۰/۲۹۶ است. همچنین میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانه متغیر تهاجم مالیاتی برابر با ۰/۲۶۶ می‌باشد که بیانگر این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر انحراف معیار اندازه شرکت برابر با ۰/۷۴۳ است.

جدول (۲). آمار توصیفی متغیرهای موهومی سازوکارهای حاکمیت شرکتی (منبع: پایه داده‌های تحقیق)

نام متغیر	تعداد مشاهده	میانگین کل	انحراف معیار	تعداد صفر	تعداد یک
اندازه هیئت‌مدیره	۱۰۰۲ (سال-شرکت) شامل ۱۶۷ شرکت	۰/۶۲۴	۰/۱۲۸	۷۴۱ (۷۴ درصد)	۲۶۱ (۲۶ درصد)
استقلال هیئت‌مدیره	۱۰۰۲ (سال-شرکت) شامل ۱۶۷ شرکت	۰/۷۵۳	۰/۲۳۴	۶۹۱ (۶۹ درصد)	۳۱۱ (۳۱ درصد)
مالکیت هیئت‌مدیره	۱۰۰۲ (سال-شرکت) شامل ۱۶۷ شرکت	۰/۸۴۶	۰/۳۰۵	۸۳۲ (۸۳ درصد)	۱۷۰ (۱۷ درصد)

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر (خروجی نرم‌افزار ایویوز نسخه سیزدهم)

همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده است، جمع کل شرکت-سال‌های بررسی شده برابر با ۱۰۰۲ است که از بین آن‌ها تعداد ۷۴۱ شرکت-سال، یعنی ۷۴ درصد شرکت‌ها از اعضای هیئت‌مدیره بیشتری نسبت به میانگین صنعت برخوردارند. بدین معنی که اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌ها به طور متوسط در سطح قابل قبولی قرار دارد و این حاکی از قوی بودن ساختار حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها است. همچنین با توجه به میانگین بدست آمده از معیار استقلال هیئت‌مدیره، نشان‌دهنده استقلال اعضای مدیریت در شرکت است که بیانگر نسبت مدیران مستقل در هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره می‌باشد.

آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

یکی از عمده‌ترین مشکلات که در رگرسیون سری‌های زمانی ممکن است رخ دهد، پدیده رگرسیون ساختگی می‌باشد. رگرسیون ساختگی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن علیرغم وجود ضریب تعیین بالا، رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد. به‌منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی لوین، لین و چو برای متغیرهای پژوهش شده است. جدول (۳) نتایج آزمون مانایی متغیرها را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار این آماره برای هر یک از متغیرها معنادار بوده، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرها رد می‌شود. به‌بیان دیگر، مانایی داده‌ها تأیید می‌گردد.

جدول (۳): آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	سطح تفاضل	لوین، لین و چو		نماد	متغیرها
		احتمال	آماره		
مانا	I (۰)	۰/۰۰۰	-۱۱/۵۴۷	INDE	استقلال هیئت‌مدیره
مانا	I (۱)	۰/۰۰۶	-۱۰/۶۲۸	BSize	اندازه هیئت‌مدیره
مانا	I (۰)	۰/۰۰۰	-۲۰/۷۱۶	DIRSHA	مالکیت هیئت‌مدیره
مانا	I (۰)	۰/۰۰۰	-۱۷/۹۳۴	ETR	اجتناب مالیاتی
مانا	I (۰)	۰/۰۰۰	-۱۳/۷۹۸	CETR	تهاجم مالیاتی
مانا	I (۰)	۰/۰۰۰	-۱۶/۷۱۰	Size	اندازه شرکت

نرخ بازده دارایی	ROA	-۱۴/۳۵۵	۰/۰۰۴	I (۱)	مانا
سن شرکت	AGE	-۱۴/۱۵۹	۰/۰۰۰	I (۰)	مانا
منبع: یافته‌های پژوهشگر					

آزمون لیمر و هاسمن

قبل از تخمین مدل لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص شود. برای این منظور از آزمون چاو استفاده شده است. طبق جدول (۴) احتمال لیمر مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین برای تخمین تمام مدل‌ها از روش تابلویی استفاده می‌شود. با توجه به اینکه نتایج آزمون هاسمن برای مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا جهت تخمین مدل از روش اثرهای ثابت استفاده شده است.

جدول (۴): آزمون چاو و هاسمن

مدل اول	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
مدل اول	چاو	۴/۹۵۶	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
	هاسمن	۱۲/۷۲۳۸	۰/۰۰۰۴	اثرات ثابت
مدل دوم	چاو	۵/۴۶۵	۰/۰۰۰	روش تابلویی
	هاسمن	۱۳/۹۴۶۸	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
منبع: یافته‌های پژوهشگر				

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون فرضیه اول

جدول (۵). نتایج برآورد مدل اول پژوهش

متغیر وابسته: اجتناب از مالیات وام‌گیرندگان						
$ETR_{i,t} = \alpha + \beta_1 Board\ size_{i,t} + \beta_2 INDE_{i,t} + \beta_3 DIRSHA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$						
متغیرها	نماد در مدل	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	عدم چندم خطی
ضریب ثابت	β_0	۴/۴۴۱	۰/۲۶۰	۱۷/۰۶۱	۰/۰۰۰	۲/۷۷
اندازه هیئت‌مدیره	β_1	-۰/۲۰۶	۰/۰۶۱۵	-۳/۳۴۹	۰/۰۰۰	۱/۵۶
استقلال هیئت‌مدیره	β_2	-۰/۱۱۹	۰/۰۴۶۹	-۲/۵۳۲	۰/۰۰۷	۳/۹۸
مالکیت هیئت‌مدیره	β_3	-۰/۱۵۳	۰/۰۵۳۷	-۲/۸۴۹	۰/۰۰۴	۲/۱۵
اندازه شرکت	β_4	۰/۳۴۸	۰/۰۵۴۶	۴/۵۴۲	۰/۰۰۰	۳/۴۱
نرخ بازده دارایی	β_5	۰/۳۰۸	۰/۰۷۸۷	۳/۹۱۳	۰/۰۰۰	۱/۶۸
سن شرکت	β_6	۰/۳۱۱	۰/۰۶۲۳	۴/۹۹۱	۰/۰۰۰	۲/۴۳
ضریب تعیین	R^2	۰/۴۹۸				
ضریب تعیین تعدیل‌شده	Adj- R^2	۰/۴۵۳				
دوربین-واتسون	D-W	۲/۱۸۶				
آماره F		۱۲/۳۱۵۹				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				
مأخذ: یافته‌های پژوهشگر (خروجی نرم‌افزار ایویوز نسخه سیزدهم)						

جهت آزمون فرضیه اول پژوهش پژوهش با توجه به سطح معناداری متغیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی که سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است و با توجه به سطح معناداری موردقبول ۹۵ درصد می‌توان اظهار داشت که فرضیه اول پژوهش موردقبول بوده و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی وام‌گیرندگان را کاهش می‌دهد. همان‌طور که در جدول فوق قابل مشاهده است ستون ضریب متغیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی از نظر آماری بیانگر آن است که اگر یک واحد سازوکارهای حاکمیت شرکتی از جمله اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت هیئت‌مدیره تغییر کند، به ترتیب به میزان (۰/۲۰۶، -۰/۱۱۹، -۰/۱۵۳) واحد اجتناب مالیاتی وام‌گیرندگان کاهش می‌یابد، چراکه مقدار ضریب بدست آمده متغیر منفی است؛ لذا باعث کاهش در اجتناب مالیاتی وام‌گیرندگان می‌شود.

همچنین سایر متغیرهای کنترلی پژوهش از جمله اندازه شرکت، نرخ بازده دارایی و سن شرکت به ترتیب دارای آماره t ، $۴/۵۴۲$ ، $۳/۹۱۳$ و $۲/۸۴۹$ است که نشان دهنده آن است که در سطح معناداری $۰/۹۵$ مورد قبول بوده و بنابراین ارتباط بین متغیرهای کنترلی پژوهش (اندازه شرکت، نرخ بازده دارایی و سن شرکت) با متغیر وابسته (اجتناب مالیاتی وام گیرندگان) نیز مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

جدول (۶): نتایج برآورد مدل پژوهش

متغیر وابسته: (تهاجم مالیاتی وام گیرندگان)						
$ETR_CASH_{i,t} = \alpha + \beta_1 Board\ size_{i,t} + \beta_2 INDE_{i,t} + \beta_3 DIRSHA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$						
متغیرها	نماد در مدل	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	عدم چندم خطی
ضریب ثابت	β_0	۰/۱۷۹	۰/۰۴۵	۳/۹۷۷	۰/۰۰۰۵	۱/۲۲
اندازه هیئت مدیره	β_1	-۳/۵۲۹	۱/۱۵۰	-۳/۰۶۸	۰/۰۰۴۶	۱/۳۸
استقلال هیئت مدیره	β_2	-۰/۰۷۶	۰/۰۲۰	-۳/۸۶۴	۰/۰۰۰۹	۱/۰۸
مالکیت هیئت مدیره	β_3	-۰/۰۵۳	۰/۰۲۶	-۲/۰۳۸	۰/۰۲۴۱	۱/۷۳
اندازه شرکت	β_4	۴/۱۲۸	۱/۳۴۳	۳/۰۷۲	۰/۰۰۵۲	۲/۵۱
نرخ بازده دارایی	β_5	۰/۵۵۷	۰/۲۲۵	۲/۴۷۵	۰/۰۲۰۸	۱/۴۴
سن شرکت	β_6	۰/۲۳۷	۰/۲۴۲	۱/۹۸	۰/۰۲۹۶	۳/۶۳
ضریب تعیین	R^2	۰/۵۹۸				
ضریب تعیین تعدیل شده	Adj- R^2	۰/۵۵۳				
دوربین- واتسون	D-W	۲/۱۸۶				
آماره F		۱۲/۳۱۵۹				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				
مأخذ: یافته های پژوهشگر (خروجی نرم افزار ایویوز نسخه سیزدهم)						

جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش پژوهش با توجه به سطح معناداری متغیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی که سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است و با توجه به سطح معناداری موردقبول ۹۵ درصد می‌توان اظهار داشت که فرضیه دوم پژوهش موردقبول بوده و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، تهاجم مالیاتی و ام‌گیرندگان را محدود می‌کند. همان‌طور که در جدول فوق قابل مشاهده است ستون ضریب متغیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی از نظر آماری بیانگر آن است که اگر یک واحد سازوکارهای حاکمیت شرکتی از جمله اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت هیئت‌مدیره تغییر کند، به ترتیب به میزان (۳/۵۲۹، -۰/۰۷۶، -۰/۰۵۳) واحد تهاجم مالیاتی و ام‌گیرندگان محدودتر خواهد شد، چراکه مقدار ضریب بدست آمده متغیر منفی است؛ لذا باعث کاهش در تهاجم مالیاتی و ام‌گیرندگان می‌شود.

همچنین سایر متغیرهای کنترلی پژوهش از جمله اندازه شرکت، نرخ بازده دارایی و سن شرکت به ترتیب دارای آماره t ، ۳/۰۷۲، ۲/۴۷۵ و ۱/۹۸ است که نشان‌دهنده آن است که در سطح معناداری ۰/۹۵ موردقبول بوده و بنابراین ارتباط بین متغیرهای کنترلی پژوهش (اندازه شرکت، نرخ بازده دارایی و سن شرکت) با متغیر وابسته (تهاجم مالیاتی و ام‌گیرندگان) نیز مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

فرضیه اول پژوهش بیانگر آن است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی و ام‌گیرندگان را افزایش می‌دهد. نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیه اول نشان‌دهنده تأیید این ادعا است. چراکه سطح معناداری آن کمتر از سطح میزان خطای رگرسیونی ۰/۵ است. نتیجه بدست آمده را می‌توان اینگونه مورد استدلال قرار داد که مزایای طرح‌ریزی مالیات (اجتناب مالیات و ام‌گیرندگان) بیشتر از هزینه مالی آن است. این ارتباط با این واقعیت اشاره دارد که هزینه و ریسک مشارکت در فعالیت‌های طرح‌ریزی مالیاتی از پس‌انداز مالیاتی ناشی از این عمل تجاوز نمی‌کند. همچنین سازوکارهای حاکمیت شرکتی باعث کاهش اجتناب مالیاتی و ام‌گیرندگان از طریق پیامدهای احتمالی ناهماهنگی اطلاعات مدیران و سهامداران با مالیات تعدیل می‌شود. سازوکارهای حاکمیت شرکتی از طریق کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران منجر به کاهش ریسک مالیاتی بیش از حد و ام‌گیرندگان شود. از آنجایی که مالیات ممکن است با ساختارهای مختلف حاکمیت تعامل داشته باشد، می‌تواند بر ارزش شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. همچنین، سهامداران و مدیران در استراتژی طرح‌ریزی مالیاتی دچار اختلاف شوند. بنابراین سازوکارهای حاکمیت شرکتی ممکن است بر تصمیم‌های طرح‌ریزی مالیاتی (اجتناب از مالیات و ام‌گیرندگان) تأثیرگذار باشد. نتیجه بدست آمده را می‌توان با پژوهش‌های حسن و همکاران (۲۰۲۴)، سینیبه و همکاران (۲۰۲۴) و افضلی و ثور (۲۰۲۴) همسو دانست. به طور نمونه؛ در پژوهش افضلی و ثور (۲۰۲۴) بر این استدلال هستند که شرکت‌هایی با سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند بر

برنامه‌های مالیاتی (اجتناب از مالیات) تاثیرگذار باشد. در همین راستا شرکت‌هایی با سازوکارهای قوی حاکمیت شرکتی از برنامه‌های مالیاتی (اجتناب از مالیات) کمتری برخوردار هستند.

فرضیه دوم پژوهش بیانگر آن است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی، تهاجم مالیاتی وام‌گیرندگان را محدود می‌کند. نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیه دوم نشان‌دهنده تایید این ادعا است. چراکه سطح معناداری آن کمتر از سطح میزان خطای رگرسیونی ۰/۵ است. نتیجه بدست آمده را می‌توان اینگونه مورد استدلال قرار داد که بر اساس نظریه نمایندگی، سهامداران و مدیران تمایل به اهداف خود در رابطه با برنامه‌ریزی مالیات شرکت دارند. دیدگاه‌ها در مورد برنامه‌ریزی مالیات شرکت‌ها نیز ممکن است بین وام‌دهندگان و سهامداران متفاوت باشد. وام‌دهندگان انگیزه‌هایی برای کمک به بهینه‌سازی اجتناب مالیاتی وام‌گیرندگان دارند. با توجه به اینکه پس‌انداز نقدی حاصل به طور مستقیم ظرفیت بازپرداخت بدهی وام‌گیرندگان را افزایش می‌دهد و ریسک وام را کاهش می‌دهد. با این حال، وام‌دهندگان همچنین با نگرانی‌ها و خطرات اضافی مرتبط با وام‌گیرندگان که به شدت در اجتناب از مالیات شرکت می‌کنند، مواجه هستند. نتیجه بدست آمده را می‌توان با پژوهش‌های شیلوین و همکاران (۲۰۲۰)، ژو و همکاران (۲۰۲۳) و افضلی و ثور (۲۰۲۴) همسو دانست. بر همین اساس، به سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل پیشنهاد می‌شود در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که نرخ موثر مالیاتی در آن‌ها بیشتر می‌باشد، چراکه ارزش بالاتری ایجاد خواهند نمود. همچنین مدیران شرکت‌ها نیز به طرح‌ریزی مالیاتی شرکت توجه نمایند. همچنین؛ از آنجایی که مطابق با نظریه نمایندگی امکان رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌تواند منجر به کاهش اجتناب مالیات گردد، لذا به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود هنگام سرمایه‌گذاری به سازوکارهای حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها توجه ویژه‌ای نمایند.

منابع

اخلاقی‌یزدی‌نژاد، اسماعیل و شمس‌الدینی، مصطفی. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر سیاست‌های تهاجمی مالیاتی بر نقدینگی اضافی با تاکید بر نقش تعدیلی بی‌ثباتی محیطی و اقتصادی (دیدگاه ترکیبی). پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۴ (۴)، ۸۳-۱۰۸.

تفتیان، اکرم؛ معین‌الدین، محمود و زارع، محمد. (۱۴۰۱). تاثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل گر کیفیت کمیته حسابرسی. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۲ (۸)، ۱۴۴-۱۱۶.

جامعی، رضا و سهرابی، آرمین. (۱۴۰۲). تاثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر اجتناب از مالیات با تاکید بر نهادهای نظارت داخلی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳ (۵۰)، ۱۴۳-۱۶۴.

رجایی‌زاده هرنندی، احسان و عشوری، جابر. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر تخصص مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵ (۸۳)، ۱۲۸۱-۱۲۹۵.

نوبخت، مریم و نوبخت، یونس. (۱۳۹۹). تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری ارزش شرکت: جریان نقد آزاد برای واحد تجاری و جریان نقد آزاد ناشی از کسب‌وکار. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۷ (۶۸)، ۹۷-۱۱۹.

یادگاری، سعید و هاشم‌زاده. (۱۴۰۲). تاثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش ارتباطات سیاسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۷ (۸۹)، ۷۹۳-۷۷۵.

Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (۲۰۱۵). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, ۶۰ (۱), ۱-۱۷.

Bharath, S. T., Dahiya, S., Saunders, A., & Srinivasan, A. (۲۰۱۱). Lending relationships and loan contract terms. *The Review of Financial Studies*, ۲۴(۴), ۱۱۴۱-۱۲۰۳

Chakroun, S. and Ben Amar, A. (۲۰۲۴), "The IFRS adoption, corporate tax avoidance and the moderating effect of family ownership", *International Journal of Law and Management*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-06-2023-0135>

Chava, S., & Roberts, M. R. (۲۰۰۸). How does financing impact investment? The role of debt covenants. *The Journal of Finance*, ۶۳(۵), ۲۰۸۵-۲۱۲۱

Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T. (۲۰۱۰). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, ۹۵(۱), ۴۱-۶۱.

Chu, Y. (۲۰۱۷). Shareholder-creditor conflict and payout policy: Evidence from mergers between lenders and shareholders. *The Review of Financial Studies*, ۳۱(۸), ۳۰۹۸-۳۱۲۱.

Cook, K. A., Ma, T., & Zhao, Y. E. (۲۰۲۰). Do creditors influence corporate tax planning? Evidence from loan covenants. *Advances in Taxation*, ۲۷, ۱-۴۲.

Denis, D. J., & Wang, J. (۲۰۱۴). Debt covenant renegotiations and creditor control rights. *Journal of Financial Economics*, ۱۱۳(۳), ۳۴۸-۳۶۷.

Edwards, A., Schwab, C., & Shevlin, T. (۲۰۱۶). Financial constraints and cash tax savings. *The Accounting Review*, ۹۱(۳), ۸۵۹-۸۸۱



Gallemore, J., Gipper, B., & Maydew, E. (۲۰۱۹). Banks as tax planning intermediaries. *Journal of Accounting Research*, ۵۷(۱), ۱۶۹-۲۰۹.

Guedrib, M. and Bougacha, F. (۲۰۲۴), "The moderating effect of tax risk on the relationship between tax avoidance and firm risk: empirical evidence in the French context", *International Journal of Law and Management*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-06-2023-0140>.

Hasan, I., Hoi, C. K. S., Wu, Q., & Zhang, H. (۲۰۱۴). Beauty is in the eye of the beholder: The effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, ۱۱۳(۱), ۱۰۹-۱۳۰.

Hossain, M.S., Ali, M.S., Islam, M.Z., Ling, C.C. and Fung, C.Y. (۲۰۲۴), "Nexus between profitability, firm size and leverage and tax avoidance: evidence from an emerging economy", *Asian Review of Accounting*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/ARA-08-2023-0238>

Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (۱۹۷۶). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, ۳(۴), ۳۰۵-۳۶۰.

Kubick, T. R., & Lockhart, G. B. (۲۰۱۷). Corporate tax aggressiveness and the maturity structure of debt. *Advances in Accounting*, ۳۶, ۵۰-۵۷.

Nini, G., Smith, D. C., & Sufi, A. (۲۰۱۲). Creditor control rights, corporate governance, and firm value. *The Review of Financial Studies*, ۲۵(۶), ۱۷۱۳-۱۷۶۱

Park, C. (۲۰۰۰). Monitoring and structure of debt contracts. *The Journal of Finance*, ۵۵(۵), ۲۱۵۷-۲۱۹۵

Platikanova, P. (۲۰۱۷). Debt maturity and tax avoidance. *The European Accounting Review*, ۲۶(۱), ۹۷-۱۲۴

Roberts, M. R., & Sufi, A. (۲۰۰۹). Renegotiation of financial contracts: Evidence from private credit agreements. *Journal of Financial Economics*, ۹۳(۲), ۱۵۹-۱۸۴